رخداد

کلاهبرداری ده‌ها میلیاردی از سرمایه‌گذاران واردات خودرو

■ **شرق:** پلیس در جست‌وجوی مرد شیادی است که به بهانه سرمایه‌گذاری در واردات خودرو ده‌ها میلیارد تومان کلاهبرداری کرده و گریخته است. به گزارش خبرنگار ما چندین نفر اواخر سال گذشته با مراجعه به مراجع مختلف قضایی یا اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران، شکایت‌هایی را درخصوص کلاهبرداری ده‌ها و صدها میلیونی به بهانه واردات خودروهای خارجی مطرح کردند. با آغاز تحقیقات معلوم شد متهم مرد ۵۵ساله‌ای به نام «مجتبی» است که کار خود را از سال ۸۶ با اجاره واحدی تجاری در خیابان شهید بهشتی آغاز کرد. مجتبی که از طریق آگهی‌های متعدد در روزنامه‌های کثیرالانتشار، مشتریانش را جلب می‌کرد با این ادعا که برای واردات خودرو در ایران و کشورهای دیگر آشنایان زیادی دارد و اغلب نمایشگاه‌داران تهران از دوستان وی هستند، مدعی می‌شد در صورت تامین سرمایه می‌تواند خودروهای خارجی را با مبالغی به مراتب کمتر از قیمت بازار، وارد کند و سود خوبی را به سرمایه‌گذاران بازگرداند. به این ترتیب افراد زیادی جذب این شرکت شدند و مبالغی را به عنوان مشارکت در واردات خودرو پرداخت کردند. مجتبی در این سال‌ها به وعده‌هایش عمل کرد و توانست اعتماد مشتریان ثابتش را به دست آورد. مجتبی که در این مدت فعالیتش را توسعه داده و برای شرکت خود، کارمندانی را استخدام کرده بود، اواخر سال گذشته با وعده یک کار استثنایی و پرسودتر از افراد زیادی مبالغی بین ده‌ها تا صدها میلیون تومان دریافت کرد و طبق معمول به آنان چک داد و پس از مدتی فراری شد. چندی بعد با افشای کلاهبرداری مجتبی، شاکیان یک‌به‌یک علیه او اقامه دعوی کردند و کارآگاهان به تحقیق در این رابطه پرداختند. آنها ابتدا چند نفر از کارمندان این شرکت را بازداشت کردند اما معلوم شد آنها در جریان کلاهبرداری قرار ندارند و خودشان نیز چند ماه حقوق دریافت نکرده‌اند. به این ترتیب تلاش‌ها برای دستگیری مجتبی که یک فقره سابقه قاچاق سلاح سرد نیز در پرونده‌اش ثبت شده است، بی‌نتیجه ماند. سرهنگ فریدون رهبریان، معاون مبارزه با جرایم خاص و رایانه‌ای پلیس آگاهی تهران درباره این پرونده گفت: تاکنون ده‌ها نفر از مالباختگان شناسایی شده‌اند و مبالغ کلاهبرداری از این افراد به ده‌ها میلیارد رسیده است. با توجه به حجم مبالغ کلاهبرداری متهم و متواری بودن وی، بازپرس پرونده با انتشار بدون پوشش تصویر متهم در جراید موافقت کرد. بنابراین از تمامی شهروندانی که از مخفیگاه وی اطلاعی دارند یا شکایتی از وی دارند درخواست می‌شود به اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران یا شعبه ششم بازپرسی دادسرای ناحیه چهار تهران مراجعه کنند.

احکام همدستان قاتل داداشی صادر شد

■ **پلیس‌خبر:** متهمان ردیف دوم و سوم پرونده قتل قوی‌ترین مرد ایران به حبس و شلاق محکوم شدند. این دو نفر نیمه‌شب ۲۵تیر همراه علیرضا- متهم اصلی پرونده- بودند. پیش از این علیرضا به قصاص در ملاءعام محکوم شده بود. اکنون قاضی شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی کرج، متهم ردیف دوم را به اتهام شرکت در نزاع منجر به قتل به سه سال حبس و تحمل ۸۰ضربه شلاق و متهم ردیف سوم را به اتهام مصرف مشروبات الکلی به ۸۰ضربه شلاق محکوم کرده است.

ارسال پرونده جنایت پل مدیریت به اجرای احکام

■ **فارس:** پرونده قتل در پل مدیریت از سوی دادگاه کیفری استان تهران به واحد اجرای احکام دادسرای جنایی ارسال شد. در این جنایت که روز ۱۵ تیر رخ داد، یکی از دانشجویان رشته ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی، همکلاسی‌اش به نام مهناز را به دلیل دادن جواب رد به خواستگاری او به قتل رساند. متهم که کوشا نام دارد، توسط مردم در صحنه جنایت دستگیر و بعد از محاکمه در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به قصاص در ملاءعام محکوم شد که این حکم به تایید دیوان‌عالی کشور نیز رسید. این پرونده اکنون در اختیار واحد اجرای احکام قرار دارد وکوشا به زودی پای چوبه‌دار می‌رود.

بازداشت ۶ ایرانی در فرودگاه قاهره

■ **ایسنا:** مسوولان فرودگاه قاهره، شش ایرانی را به دلیل داشتن پاسپورت‌های تقلبی بازداشت کردند. به گفته مقامات فرودگاه قاهره، این افراد سعی داشتند با استفاده از پاسپورت‌های جعلی فرانسوی که در ترکیه با پرداخت مبلغ دو هزار دلار خریداری کرده بودند، به انگلیس سفر کنند. مسوولان فرودگاه قاهره اعلام کرده‌اند زمان بازرسی‌های نهایی پاسپورت‌های مسافران هواپیمای بی.ام.ای به مقصد لندن، مسوولان امنیتی فرودگاه به این افراد که پاسپورت‌های فرانسوی داشتند، مظنون شدند و معلوم شد عکس آنها به جای صاحبان اصلی روی پاسپورت الصاق شده است. به گزارش روزنامه عربستانی الریاض، مسوولان فرودگاه بعد از بررسی‌های انجام‌شده دریافتند این افراد دو روز پیش با پرواز چارتر از ترکیه به فرودگاه برج‌العرب رسیده بودند که با بررسی چمدان‌ها، پاسپورت ایرانی این افراد کشف و به ترکیه بازگردانده شدند.

راز قتل مادر و دختر تهرانی و زن باردار کرجی فاش شد

سه زن، قربانی جنایت‌های خانگی

شرق: کارآگاهان جنایی استان تهران و البرز در تحقیقات جداگانه‌ای راز قتل سه زن را که توسط اقوام درجه یک خود کشته شده بودند، فاش کردند. در جنایتی که در تهران به وقوع پیوست پسری جوان به دلیل سوءظن به خواهر و مادرش آن دو را با ضربات متعدد چاقو از پا درآورد. مرد کرجی نیز که همسرش را به دلیل اختلافات خانوادگی با سم کشته بود، دیروز در حالی که یک سال از وقوع جنایت می‌گذرد به جرمش اعتراف کرد.

قتل مادر و دختر

بازپرس و کارآگاهان جنایی ساعت ۳:۳۰ بامداد روز یکشنبه هفته جاری به دنبال اعلام گزارشی درباره قتل دو زن در خانه‌ای در خیابان پیروزی به آنجا رفتند و با اجساد مادر و دختری ۵۲ و ۲۲ساله به نام‌های مینو و مینا مواجه شدند. هر دو قربانی خون‌آلود بودند و آثار ضربات متعدد جسمی نوک‌تیز شبیه به چاقو بر پیکرشان مشهود بود.

کارآگاهان در بررسی‌های مقدماتی مطمئن شدند نشانه‌ای از ورود غریبه به ساختمان محل جنایت وجود ندارد و سرقتی نیز از قربانگاه صورت نگرفته است، به همین دلیل تشخیص دادند قتل به احتمال زیاد خانوادگی بوده و با انگیزه شخصی رقم خورده است. در این بین پسر ۲۶ساله مینو به نام مهدی که زمان وقوع جنایت در جریان قرار داشت و پلیس را از واقعه مطلع کرده بود، تحت بازجویی قرار گرفت. او ماجرا را این‌طور شرح داد: «همه خوابیده بودیم که من یک دفعه صدای عجیبی شنیدم و از خواب پریدم. فکر کردم دزد آمده است برای همین خواهرم را بیدار کردم و به او گفتم برای سرکشی به پایین برود. خودم هم دنبال چماق رفتم تا اگر سارقی آمده بود، بتوانم دفاع کنم. در همان هنگام صدای جیغ و فریاد مینا و مادرم را شنیدم و دوان‌دوان خودم را به آنها رساندم و دیدم هر دو کشته شده‌اند. سریع از خانه بیرون دویدم تا شاید قاتل را پیدا کنم ولی او را ندیدم بعد با داد و فریاد از مردم کمک خواستم و پلیس را باخبر کردم.» داستانی که مهدی تعریف می‌کرد، مطابق با واقعیت به نظر نمی‌رسید، به همین سبب محمد شهریاری، بازپرس کشیک قتل دستور بازداشت او و ادامه‌یافتن بازجویی‌ها را صادر کرد. مهدی بالاخره بعد از چند جلسه بازجویی اتهام کشتار را پذیرفت و گفت: «پدرم جدا از ما زندگی می‌کرد و خواهر و مادر من با کار کردن در یک آرایشگاه مخارج‌مان را تامین می‌کردند ولی آنها شب‌ها دیر به خانه می‌آمدند و همین باعث شده بود به هر دونفرشان مشکوک شوم. چندبار سر این موضوع با آنها صحبت کردم ولی فایده‌ای نداشت و مادرم و مینا من را به بدبینی متهم می‌کردند، بالاخره تصمیم گرفتم آنها را بکشم و شب حادثه نقشه‌ام را با وارد کردن ضربات متعدد چاقو به آنها عملی کردم.» بازجویی‌ها از این متهم هنوز به پایان نرسیده است و پلیس سعی دارد، ابعاد دیگر این جنایت را فاش کند.

اعتراف بعد از یک سال

شهریورماه سال گذشته مرگ مشکوک زنی ۳۵ساله به نام سمانه به پلیس آگاهی استان البرز اطلاع داده شد و کارآگاهان برای رازگشایی از علت مرگ این زن که ۹ ماه از بارداری‌اش می‌گذشت و در آستانه وضع‌حمل جان باخته بود، به تکاپو افتادند در ابتدا هیچ نشانه‌ای که بر قتل یا مرگ طبیعی سمانه دلالت کند، وجود نداشت، به همین سبب بازپرس پرونده از متخصصان پزشکی قانونی خواست با کالبدشکافی و انجام آزمایش‌های سم‌شناسی در این‌باره تحقیق کنند. انجام این آزمایش‌ها تا اردیبهشت ماه امسال به طول انجامید و سرانجام پزشکی‌قانونی اعلام کرد در خون متوفی سم یافت شده است. پدر سمانه بعد از اعلام شدن این نظریه، مرگ دخترش را قتل عمدی قلمداد و دامادش را مظنون اصلی معرفی کرد و گفت: سمانه و عباس با هم به شدت اختلاف داشتند. کارآگاهان وقتی بازجویی از عباس را شروع کردند او دست‌نوشته‌ای را که ادعا می‌کرد به خط همسرش است به پلیس ارایه داد. در آن برگه از قول سمانه نوشته شده بود به خاطر مشکلات متعدد خودکشی کرده است. افسران ویژه مبارزه با قتل، این برگه را سند معتبر محسوب نکردند و با بازجویی‌های تخصصی، عباس را در بن‌بست قرار دادند. او دیروز با اقرار به کشتن همسرش گفت: «من و سمانه ۱۳ سال قبل با هم آشنا شدیم اما چون او بچه‌دار نمی‌شد، تصمیم گرفتم ازدواج مجدد کنم و دختری به نام فریبا را هم کاندیدا کردم اما همسرم به شدت مخالفت کرد و باعث بروز اختلافات شد. با این وجود من با فریبا رابطه داشتم تا اینکه زنم باردار شد. او با اصرار از من می‌خواست به رابطه‌ام با فریبا پایان بدهم ولی چون راضی به این کار نبودم، سمانه با من بدرفتاری می‌کرد. من هم نقشه قتل او را کشیدم و با خوراکی مسموم او را کشتم.» بنا بر این گزارش، این مرد نیز همچنان در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از وی ادامه دارد.

سوءظن، انگیزه همسرکشی

پلیس‌خبر: مردی که به دلیل سوءظن، همسر خود را به قتل رسانده بود، توسط ماموران پلیس آگاهی دستگیر شد. سرهنگ اسماعیل واعظی، فرمانده انتظامی شهرستان چابهار با تایید این خبر گفت: در پی اعلام مرگ مشکوک فردی به نام «کلثوم – ش» ماموران برای بررسی موضوع و علت و انگیزه مرگ به محل اعزام شدند و با جسد این زن که آثار کبودی روی گردن وی مشهود بود، روبه‌رو شدند و در محل وقوع قتل یک تیغه چاقوی آغشته به خون را نیز کشف کردند. سرهنگ واعظی در ادامه تصریح کرد: با بررسی‌های وضعیت ظاهری جسد و انجام تحقیقات فنی و پلیسی، کارآگاهان پلیس آگاهی همسر مقتول را به عنوان مظنون دستگیر کردند. متهم که ابتدا منکر هرگونه جنایتی بود، سرانجام به قتل همسر خود اعتراف کرد و گفت: از روی عصبانیت و سوءظن تصمیم به قتل همسر خود گرفت و زمانی که مقتول در خواب بود با استفاده از یک رشته طناب وی را خفه کرد و سپس برای از بین بردن آثار جرم و رفع مظنونیت پلیس به خود، با چاقو رگ دست وی را بریده تا علت مرگ را خودکشی جلوه دهد.

رویارویی مرگبار شوهر سابق و همسر صیغه‌ای

نماینده دادستان و دو متهم درباره انگیزه قتل اظهارات متفاوتی را مطرح کردند

شرق: جدال متهمان با نماینده دادستان تهران در مورد انگیزه یک مرد برای کشتن شوهر صیغه‌ای همسر سابقش، جلسه دادگاه را تحت‌الشعاع قرار داد و در حالی‌که متهمان مدعی بودند انگیزه قتل تعصب است، نماینده دادستان هدف جنایت را اخاذی عنوان کرد.

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای این جلسه محاکمه که صبح دیروز برگزار شد، سیدرضایی، نماینده دادستان به قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه خانواده گفت: ۲۶ اسفند سال ۸۷ به ماموران پلیس خبر دادند مردی به نام مسعود به طرز عجیبی گم شده است. همه چیز حکایت از آن داشت که مسعود درگیر سرنوشت تلخی شده است. تلفن همراهش خاموش بود و ماشینش هم گم شده بود. ماموران برای پیدا کردن سرنخی از این مرد ثروتمند پرینت مکالمات تلفنی او را از مخابرات گرفتند و بعد از بررسی تلفن‌های او متوجه شدند از شب ۲۶ اسفند دیگر تماسی با تلفن مسعود گرفته نشده است. در این بین یک شماره تلفن توجه ماموران را جلب کرد. آنها بعد از بررسی شماره تلفن متوجه شدند این شماره متعلق به زنی به نام مریم است و مسعود بارها و بارها با او تماس داشته است. خانواده مسعود این زن را نمی‌شناختند بنابراین ظن پلیس نسبت به یک رابطه پنهانی از سوی مقتول برانگیخته شد. مریم بعد از چندین جلسه بازجویی اعتراف کرد همسر صیغه‌ای مسعود است و شب حادثه قرار بود مسعود به خانه او بیاید. این زن سپس اعتراف کرد با همدستی مردی به نام علی که پیش از مسعود شوهر صیغه‌ای او بود، مسعود را به قتل رسانده است.

نماینده دادستان ادامه داد: «مریم در جریان تحقیقات گفت: روز حادثه با مسعود قرار گذاشتم. او دیر آمد و من هم فکر کردم پشیمان شده است. آخرین ساعات شب بود که مسعود رسید و بعد از چند دقیقه دوباره زنگ در خانه به صدا درآمد. در را که بازکردم، دیدم سعید شوهر سابقم پشت در خانه است. وقتی این دو مرد با هم روبه‌رو شدند. همدیگر را زدند و سعید، مسعود را به قتل رساند.»

نماینده دادستان تهران گفت: مریم جایی دیگر ادعای خود را پس گرفته و واقعیت را گفته است. او در بازجویی‌ها گفته است: می‌خواستیم از مسعود سفته بگیریم و آن را خرج کنیم. با سعید، شوهر سابقم قرار گذاشتم و او و مسعود هر دو به خانه من آمدند. من سفته‌ها را جلو مسعود گذاشتم و خواستم امضا کند، امتناع کرد و با هم درگیری لفظی پیدا کردیم. سعید دخالت کرد و بعد هم مسعود را به قتل رساند. سپس جسدش را از خانه خارج کردیم و آتش زدیم.

سیدرضایی در ادامه برای سعید به عنوان متهم ردیف اول به اتهام مباشرت در قتل مسعود، معاونت در به آتش کشیدن جسد مقتول و سرقت اموال داخل ماشین و برای مریم به اتهام معاونت در قتل و مباشرت در آتش زدن جسد مقتول و سرقت اموال داخل ماشین تقاضای مجازات کرد.

در ادامه اولیای‌دم مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای متهم درخواست صدور حکم قصاص کردند.

سپس سعید متهم ردیف اول به دفاع از خودش پرداخت. او گفت: برخلاف کیفرخواست، نه سفته‌ای در کار بود و نه نقشه‌ای از پیش طراحی‌شده بود. آن شب به خانه همسر سابقم رفتم تا در مورد دخترم با او صحبت کنم. مریم و دخترم با هم مشکلاتی داشتند و من می‌خواستم این مشکلات را حل و برای دخترم هم کمی خرید کنم. در خانه مریم بودم که مسعود آمد. مریم گفت به این مرد بدهکار است و او برای گرفتن طلبش آمده، بعد از کمی صحبت متوجه شدم، همسترهای دخترم از قفس بیرون آمده‌اند. به اتاق رفتم که آنها را به قفس بیندازم که صدای فحاشی مسعود را شنیدم. او به همسر سابقم و دخترم فحش‌های خیلی رکیک می‌داد که من در عمرم نشنیده بودم. کنترل خودم را از دست دادم و به سمتش حمله کردم و با هم درگیر شدیم. دستم را روی گلویش گذاشتم و فشار دادم مریم سعی کرد ما را جدا کند، اما مسعود دست او را گاز گرفت و مریم مجبور شد، دور شود. وقتی مریم به من گفت او را نکشم، بیشتر عصبانی شدم و گلویش را بیشتر فشار دادم. شالی روی صندلی بود، آن را برداشتم و دور گردنش پیچیدم و خفه‌اش کردم.

متهم ادامه داد: بعد از قتل از مریم چسب گرفتم و دست و پای مقتول را بستم و مریم را وادار کردم جسد را لای ملحفه بپیچد. بعد با هم جسد را در صندوق عقب ماشین مسعود گذاشتیم و به شهرک ناز فردیس کرج بردیم. من در راه چهار لیتر بنزین خریدم و وقتی به جایی خلوت رسیدیم، بنزین را روی جسد ریختم و بعد از محل دور شدیم.

در این هنگام، نماینده دادستان تهران گفت: ادعاهای متهم درست نیست، چون مریم روز حادثه دخترش را به بهانه‌ای از خانه خارج کرده بود، بنابراین آنها برای قتل نقشه داشتند، ضمن اینکه مریم ابتدا شخص دیگری را به عنوان قاتل معرفی کرده بود و سعی داشت واقعیت را پنهان کند.

متهم این گفته‌ها را رد کرد و گفت: در سرنوشت من تغییری ایجاد نمی‌شود و من در هر صورت حکم قصاص می‌گیرم، چون باعث مرگ مسعود شده‌ام. من فقط واقعیت را گفتم. من و مریم هر دو در اداره آگاهی تحت فشار بودیم و من این حرف‌ها را قبول ندارم.

سپس مریم در جایگاه حاضر شد. این زن ادعا کرد هر چه در اداره آگاهی گفته، دروغ است. او گفت: من و مسعود سال‌ها قبل با هم آشنا شده بودیم. در آن زمان من از شوهرم جدا شده بودم و او را در خانه دوستم دیدم. دوستم به مسعود گفت من جدا شده‌ام و با دخترم تنها هستم. مسعود به من پیشنهاد کرد به صورت صیغه‌ای به عقد او درآیم، قبول نکردم و گفتم فعلا می‌خواهم تنها باشم. شماره من را گرفت و شماره خودش را هم به من داد. او به من پیشنهاد داد صیغه‌اش شوم تا ماهی ۵۰۰هزارتومان به من بدهد. او اجازه داد شغلم را هم داشته باشم، اما من باز هم قبول نکردم. مدتی بعد به عقد مردی به‌نام علی درآمدم و هر وقت مدت صیغه تمام می‌شد، دوباره تمدید می‌کردیم. تا اینکه سال ۸۷، با علی به مشکل برخوردم و تصمیم گرفتم از او جدا شوم، ضمن اینکه دخترم بزرگ شده بود و به دانشگاه می‌رفت و درست نبود آن مرد به خانه من بیاید. آبان‌ماه بود که از علی جدا شدم و دی‌ماه هم به صورت صیغه‌ای به عقد مسعود درآمدم. البته در تمام این سال‌ها مسعود به من زنگ می‌زد و ماهی یک‌بار تلفنی با هم صحبت می‌کردیم. هرچند وقت یک‌بار هم از من می‌پرسید هنوز شوهر داری یا نه. وقتی آبان‌ماه به او گفتم شوهر ندارم و جدا شده‌ام به تهران آمد تا من را به عقد خودش درآورد. او مرد فهمیده‌ای بود و سعی می‌کرد با دخترم روبه‌رو نشود.

متهم ادامه داد: روز حادثه مسعود با من تماس گرفت و گفت از اراک به تهران می‌آید و می‌خواهد من را ببیند. قبول کردم. قرار بود ساعت شش بیاید اما نیامد و من هم تلفنم را خاموش کردم و فکر کردم پشیمان شده است. من وسایل پذیرایی هم آماده کرده بودم، ساعت ۱۰ شب بود که زنگ زدند. سعید، شوهر عقدی سابقم بود، چون مسعود نیامد من در را باز کردم تا سعید وارد شود. او فهمید میهمان دارم و منتظر کسی هستم اما توضیح ندادم. یک ساعت بعد دوباره زنگ زدند و دیدم مسعود آمده است. کاش در را باز نمی‌کردم، نمی‌دانم چرا این کار را کردم، وارد خانه شد و من سعید را به عنوان شوهر دوستم معرفی کردم و به سعید هم گفتم، مسعود از من طلب دارد و به همین دلیل آمده است. آنها با هم صحبت کردند، بعد سعید به اتاق دخترم رفت تا همسترهای فراری را بگیرد که من به مسعود گفتم این مرد، پدر دخترم است. او فریاد زد و فحش رکیکی داد. سعید بیرون آمد و به او حمله کرد، من سعی کردم آنها را جدا کنم، اما مسعود دست من را گاز گرفت. بعد هم سعید او را خفه کرد. من گوشی مسعود را برداشتم تا به زنش خبر بدهم اما سعید گوشی را از من گرفت و قطع کرد.

در این هنگام نماینده دادستان باز هم اعتراض کرد و حرف‌های مریم را درست ندانست، اما مریم گفت آنچه قبلا گفته، دروغ است و سفته‌ای در کار نبوده و دخترش را مخصوصا از خانه بیرون نکرده است. مریم در ادامه گفت: آن شب دخترم با من قهر کرده و به خانه پدرم رفته بود. اگر او در خانه بود، شاید این اتفاق نمی‌افتاد. او ادامه داد: وقتی سعید گوشی را از من گرفت، چند بار همسر مسعود زنگ زد به همین دلیل هم سعید گوشی را شکست و سیم‌کارت را درآورد. بعدها زن مقتول به من گفت حتی در آن زمان که من تماس گرفتم، صدای من را شنیده بود.

متهم گفت: در تمام طول مسیر خانه تا محل آتش زدن جسد به این فکر می‌کردم که از این به بعد خانواده مسعود بدبخت می‌شوند. چون من خودم یک دختر بی‌پدر بزرگ کرده بودم. مسعود مرد خوبی بود و من راضی به مرگش نبودم. اگر سعید آن‌طور غیرتی نمی‌شد و فحش‌های مسعود او را تحریک نمی‌کرد، این اتفاق نمی‌افتاد.

بنا بر این گزارش، بعد از پایان دفاعیات متهمان و وکلای آنها هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

قتل مرد چاقو به دست توسط مامور پلیس

شرق: مردی که با انگیزه‌ای نامعلوم در منطقه یافت‌آباد تهران با چاقو به مردم حمله می‌کرد با گلوله مامور پلیس کشته شد. به گزارش خبرنگار ما ساعت ۱۸ روز یکشنبه چندین نفر در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ درخواست کمک کردند. به گفته آنها مردی چاقو به دست، یکی از خیابان‌های محله یافت‌آباد را بسته بود و در حالی که عربده می‌کشید و ناسزا می‌گفت به مردم حمله می‌کرد. ماموران کلانتری دقایقی بعد از اعلام این گزارش خود را به محل حادثه رساندند و مشاهده کردند متهم در حالی که بسیار خشمگین است مرتب عابران را تهدید می‌کند و اگر تعللی صورت گیرد، هیچ بعید نیست او مرتکب جنایت شود. در این شرایط یکی از ماموران جلو رفت تا با مرد چاقو به دست صحبت و او را آرام کند اما متهم حاضر نبود تسلیم شود. او وقتی دید مامور پلیس قصد ندارد محل را ترک کند با چاقو به وی حمله‌ور شد و دو ضربه به کتف و پهلوی مامور وارد کرد.

مامور زخمی در حالی که نقش بر زمین شده بود و خونریزی داشت، تیر هوایی شلیک کرد تا شاید این بار متهم بترسد و سلاحش را زمین بگذارد ولی این اتفاق نیفتاد و مرد ناشناس بار دیگر به سمت مامور کلانتری یورش برد و دو ضربه دیگر وارد کرد. پلیس زخمی نیز که جانش در خطر بود، این بار پای متهم را هدف گرفت. در حالی‌که هر دو طرف مجروح بودند، مرد خشمگین توانست یک‌بار دیگر بلند شود. او باز هم به طرف مامور پلیس که روی زمین افتاده بود، حمله و این بار گلوله به شکمش برخورد کرد و کشته شد. بنا بر این گزارش، مامور پلیس اکنون در بیمارستان بستری است و انگیزه مقتول نیز از این اقدام هنوز روشن نشده است.

سرقت از مسافران با آبمیوه مسموم

شرق: ماموران پلیس، مردی را دستگیر کرده‌اند که متخصص سرقت از مسافران با استفاده از آبمیوه مسموم است. این متهم که قبلا هفت مرتبه به همین اتهام زندانی شده بود، پس از اتمام آخرین محکومیتش سراغ مسافران رفت و از افراد زیادی با این شیوه دزدی کرد. به گزارش خبرنگار ما، ماموران پلیس راه‌آهن در پی طرح چندین شکایت مشابه از سوی افرادی که آبمیوه‌های مسموم را خورده و بعد از بیهوشی اموال‌شان را از دست داده‌اند، به چهره‌نگاری از متهم پرداختند و چند روز قبل مردی به نام نادر را که با تصویر فرضی شباهت زیادی داشت، بازداشت و از ساک او چند پاکت آبمیوه کشف کردند. نادر به مسموم بودن آنها اعتراف کرد و در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان با بررسی سوابق متهم فهمیدند «نادر» از مجرمان سابقه‌داری است که پیش از این، هفت‌بار به اتهام ارتکاب سرقت به شیوه بیهوشی دستگیر شده است. این مرد در اعترافاتش گفت: «پس از آزاد شدن از زندان با پرسه‌زنی در پایانه‌های مسافرتی قطار یا اتوبوس‌های بین‌شهری، افراد را شناسایی و بعد از ریختن طرح دوستی از اعتماد آنها استفاده می‌کردم و با تعارف آبمیوه‌های مسموم اقدام به سرقت می‌کردم.» سرهنگ علی غیاثوند، رییس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: «مجوز انتشار بدون پوشش چهره متهم صادر شده است و از تمامی مالباختگانی که موفق به شناسایی متهم شده‌اند، درخواست می‌شود برای طرح شکایات به پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.»

نگاه

تغییر نقش زنان در خانواده

سعید معیدفر*

■ خشونت خانگی مقوله‌ای است که در چارچوب خشونت‌های اجتماعی قرار دارد و مواردی مانند نزاع و کتک‌کاری یا در موارد حاد، قتل در این مقوله قرار می‌گیرد. بخشی از این خشونت از خشونتی که در جامعه وجود دارد، نشأت می‌گیرد و بخشی دیگر در حوزه خانواده و از روابطی که در درون خانواده حاکم است، به وجود می‌آید. در این بین، بیشتر قتل‌های خانوادگی به دست مردان اتفاق می‌افتد. البته زنان هم در حوزه خانواده قتل انجام می‌دهند اما به طور عمده این قتل‌ها توسط مردان انجام می‌گیرد و از جمله دلایلی هم که در این زمینه مطرح می‌شود، مسایل ناموسی و رابطه نامشروع است. این انگیزه‌ها با نوع نگاه مردان به خانواده مرتبط است. آنها نگاهی مردسالارانه دارند که متاسفانه در بسیاری از خانواده ایرانی وجود دارد و بخش‌های سنتی‌تر جامعه گرفتار آن هستند. در سال‌های اخیر با توجه به‌افزایش سطح تحصیلات و گسترش شهرنشینی، این نوع خشونت در خانواده‌های متوسط به بالا بسیار کم شده است اما خانواده‌های سنتی مردسالار بیشتر درگیر این خشونت‌ها هستند و نقش مردان در این وقایع همچنان مثل سابق پررنگ است. خانواده‌های سنتی این حق را به مرد می‌دهند که بر اساس ارزش‌های سنتی در مورد خانواده اختیار تام داشته باشد تا مشکلات خانوادگی را خودش حل کند. مثلا اگر احساس کرد فرزند یا همسرش انحرافی دارد، خودش برخورد کند. در مطالعاتی که در ۸۰ سال گذشته در مورد خشونت خانگی علیه زنان انجام شده، تاکید روی نقش مردان و تصدی آنها برخانواده پررنگ بوده و بیان شده عمده خشونت‌ها توسط آنهاست. به نظر می‌رسد در برخی از اقشار جامعه هنوز همان نگاه ۸۰ سال قبل وجود دارد و مردان سنتی هنوز هم بحث مالکیت نسبت به زن را مطرح می‌کنند. به طور عام دلایل دیگری هم برای این قتل‌ها وجود دارد. این روزها در خانواده‌های سنتی اتفاقاتی رخ می‌دهد که در پی آن تغییراتی در نقش زنان به وجود می‌آید و مردان نمی‌توانند این تحولات را تحمل کنند و از طرفی نمی‌توانند جلو آن را بگیرند. زنان فرصت تحصیل دارند و تحرک اجتماعی پیدا کرده‌اند، آنها صاحب شغل می‌شوند و... این اتفاقات، نقش زن را در جامعه فعال‌تر و مهم‌تر می‌کند اما مرد همچنان همان نقش سابق خود را ایفا می‌کند و همین موضوع خشونت‌ها و قتل‌های خانوادگی را موجب می‌شود.

در سال‌های اخیر میزان شرکت زنان در کنکور بیشتر از مردان شده، میل زنان برای پیشرفت افزایش پیدا کرده و این رشد در بخش‌های سنتی تحول زیادی را ایجاد کرده است و زنان نقش‌های مهم‌تری نسبت به خانه‌داری از خانواده می‌خواهند. در این میان مردان مجبورند برای معیشت خانواده کار کنند و فرصتی برای پیشرفت آنها وجود ندارد. در واقع مردان برای رفع نیاز اقتصادی و زنان برای جبران عقب‌ماندگی اجتماعی فعالیت می‌کنند. بنابراین انگیزه این فعالیت‌ها، تفاوت عمده دارد و باعث اختلاف بین آنها می‌شود. در خانه‌ای که زنان فعال‌تر می‌شوند و مردان هنوز پیشرفت فکری لازم را ندارند، زنان در معرض ظن بیشتری از سوی مردان خانواده قرار می‌گیرند، در مقابل مردان سعی می‌کنند نقش‌های سنتی را حفظ کنند بنابراین ناموس‌پرستی و تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت خانواده را حق خود می‌دانند و برای اینکه جایگاه‌شان حفظ شود، دست به خشونت می‌زنند. همین دیدگاه است که قتل اعضای مونث به دست مردان و فرار کودکان از خانه یا خودسوزی زنان را رقم می‌زند. از سوی دیگر متاسفانه در سال‌های اخیر تورم و فقر اقتصادی فرصت برای تحرک اجتماعی و تحصیل را برای مردان در خانواده‌های محروم‌تر کم کرده است و از آنجایی که زنان این قشر دغدغه‌ای کمتر داشته و تحصیل کرده‌اند، جایگاه خانوادگی و اجتماعی خود را تغییر داده‌اند. بنابراین خانواده‌های محروم بیشتر تحت تاثیر این تحول قرار گرفته‌اند. به عنوان نمونه ترک تحصیل پسران دبیرستانی بیشتر از دختران است. اگر بر مسایل اقتصادی فایق بیایم و حدی از رفاه را برای مردم داشته باشیم که جوانان تحرکات اجتماعی بیشتری داشته باشند، این مشکل تا حدی رفع می‌شود. جامعه ما در حال پوست اندازی و در حال‌گذار به سمت صنعتی شدن است بنابراین باید رفاه اجتماعی هم بالا برود و خدمات اجتماعی زیاد شود. اگر این مشکلات برطرف شود، فرهنگ خشونت از بین خواهد رفت.

*جامعه شناس و استاد دانشگاه

حادثه

تالاس در ژاپن ۲۶ قربانی گرفت

■ **یونایتدپرس:** مقامات ژاپن از کشته‌شدن دست‌کم ۲۶ژاپنی بر اثر توفان تالاس خبر دادند. نیروهای امداد در تلاش برای یافتن مفقودان این توفان هستند، تاکنون ۵۴نفر بر اثر جاری‌شدن سیل ناپدید شده‌اند. این در حالی است که پلیس و نیروهای امدادی به دلیل طغیان رودخانه‌ها و بسته‌شدن جاده‌ها با مشکل مواجه شده‌اند. همچنین مقامات ژاپنی هشدار داده‌اند تعداد مفقودان در مناطق آسیب‌دیده بیشتر می‌شود. نخست‌وزیر ژاپن نیز اظهار داشت، نیروهای امداد تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا به سیل‌زدگان کمک و مفقودان را پیدا کنند. علاوه بر مفقودان و کشته‌شدگان، هزاران ژاپنی به دلیل خرابی پل‌ها و جاده‌ها سرگردان شده‌اند. این توفان در شرایطی اتفاق افتاد که مقامات ژاپنی در حال بازسازی ویرانی‌های زمین‌لرزه و سونامی ماه مارس هستند.